

ارزیابی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان‌های پیاده‌محور (مطالعه موردی: خیابان پیاده‌محور چهارباغ عباسی اصفهان)

چکیده

توسعه اجتماعی فضاهای شهری با میزان استفاده و حضور انسان در فضا در ارتباط است؛ به همین منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی از مهم‌ترین جلوه‌های فضاهای شهری موفق است که تنها به‌واسطه آن، ابعاد ناملموس حیات مدنی، امکان ظهور به‌دست می‌آورند. اما در عصر حاضر استفاده روزافزون از اتومبیل و سلطه تدریجی حرکت سواره بر پیاده باعث کاهش تمایل به حضور و مشارکت‌های اجتماعی در فضاهای شهری شده است. این موضوع ضمن پرداختن به اهمیت تعاملات اجتماعی در زندگی شهری، ضرورت بازگشت به مقوله پیاده‌مداری را مطرح می‌کند. با در نظر گرفتن اهمیت مسئله مطرح‌شده، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان‌های پیاده‌محور پایهریزی شده است که به‌صورت مطالعه موردی در خیابان پیاده‌محور چهارباغ عباسی اصفهان انجام گرفته است. این پژوهش از نوع کاربردی و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است؛ تلاش شده است با احصای معیارها و شاخص‌های مؤثر، میزان اهمیت هر یک با استفاده از نظر خبرگان مشخص شود. از این‌رو، ۲۲ معیار مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی، ذیل سه مؤلفه کالبدی، اجتماعی و فعالیتی-عملکردی شناسایی شد. سپس با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و نرم‌افزار Expert Choice، به تعیین ضرایب اهمیت معیارها، زیرمعیارها و اولویت‌بندی آن‌ها اقدام شد. جامعه مورد پژوهش را کارشناسان تشکیل داده‌اند که در پاسخ‌گویی به سؤالات پرسش‌نامه به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از میان معیارهای اصلی، معیار کالبدی با وزن ۰.۳۱ نسبت به بقیه معیارها از اهمیت بیشتری برخوردار است. در میان معیارهای فرعی، معیارهای تنوع بصری و نفوذپذیری از معیار اصلی کالبدی با وزن ۰.۲۹ بیشترین ضریب اهمیت را در فرآیند ارتقاء تعاملات اجتماعی از منظر متخصصین به خود اختصاص داده است.

اهداف پژوهش:

۱. شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان‌های پیاده‌محور.
۲. ارزیابی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در ارتقاء تعاملات اجتماعی خیابان پیاده‌محور چهارباغ عباسی.

سؤالات پژوهش:

۱. عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان‌های پیاده‌محور کدام است؟
۲. کدام عامل در ارتقاء تعاملات اجتماعی خیابان پیاده‌محور چهارباغ عباسی از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

کلیدواژه‌ها: تعاملات اجتماعی، فضای شهری، خیابان پیاده‌محور، خیابان چهارباغ عباسی اصفهان.

مقدمه

تعامل اجتماعی پایه‌ای‌ترین عنصر سازنده زندگی اجتماعی است که ویژگی‌های جامعه خویش را تعیین می‌کند و انسان‌ها برای رفع نیازهای متقابل خود به یکدیگر، به تعامل اجتماعی روی می‌آورند (کلمن، ۱۳۹۰). برقراری ارتباطات و تعاملات اجتماعی در فضای شهری یکی از نخستین گام‌های درک خوشایندی فضا از سوی شهروندان است. در قلمروهای عمومی شهری الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های فضا دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشند، دلیل اصلی این مسئله این است که میان تعامل اجتماعی و دل‌بستگی مردم به محیط‌های اجتماعی برای حضور، رابطه تگاتنگ وجود دارد (لنگ، ۱۳۸۶). فرآیند ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری با ارتباطات اجتماعی درون آن فضا در ارتباط است و از اهمیت بسیاری در رشد اجتماعی این فضاها برخوردار است. به گفته الدنبرگ^۱ جامعه‌شناس آمریکایی مردم برای پناه‌بردن خارج از محیط‌های تکراری و یک‌نواخت خانه و محل کار و تحصیل، نیازمند فضاهایی برای دیدار و مراد با دوستان، همسایگان، همکاران و حتی غریبه‌ها هستند، که افراد می‌توانند با حضور در فضاهای شهری، خواسته‌ها و فعالیت‌های مورد نیازشان را برآورده سازند (حقیقی بروجنی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴)؛ بنابراین فضای شهری «تنها یک مفهوم کالبدی نیست بلکه کنش «تعاملات شهروندی» و «فعالیت‌های شهری» را نیز دربر می‌گیرد. یعنی کالبدی از شهر را مجبور می‌کند که مکان برقراری فعالیت‌های شهری یا عرصه بروز تعاملات اجتماعی باشد» (قلمبر دزفولی و تقی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶).

فضای شهری مکانی برای بروز زندگی اجتماعی است که براساس پایه‌های فکری خردگرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه، رفتارهای جمعی و ارزش‌های انسانی شکل می‌گیرد. این تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را می‌توان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری برشمرد که روابط انسانی و فعالیت‌های شهری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

مسئله ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضای شهری با افزایش فرصت‌های تعامل در ارتباطات فردی و گروهی مطرح می‌شود؛ دلیل اصلی این موضوع ارتباط نزدیکی است که تعامل اجتماعی با فعالیت‌ها و عملکردهای فضاهای شهری دارد. اما به دنبال رشد فزاینده شهرنشینی و گسترش استفاده از وسایل نقلیه، شاهد انبوهی از فضاهای سرد و بی‌روح هستیم که تأثیرات نامطلوبی بر روح و روان شهروندان به‌عنوان استفاده‌کنندگان از این فضاها گذاشته است به طوری که تنها برای برطرف ساختن نیازهای ضروری خود در آن حضور پیدا می‌کنند، و شهروند پیاده جایگاه و اولویت خود در فضاهای شهری را از دست داده است. این معضل علاوه بر تنزل کیفیت زندگی شهری، کاهش روابط و تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری را روشن‌تر می‌سازد. به بیان دیگر، «تاریخ شهرهای قرن بیستم را می‌توان بعضاً تلاشی دانست برای میدان دادن به اتومبیل که در آن شهرهای کهن را زیرورو کردند و شهرهای نوین را براساس دسترسی به اتومبیل ساختند» (معینی، ۱۳۹۰: ۳) در همین راستا، پس از انتقادهای فراوان به صنعتی‌شدن و ماشینی‌شدن زندگی در شهرها، «در دوران معاصر، برای بازگرداندن کیفیت‌های شهری به شهروندان و باز پس گرفتن استیلای شهر از ماشین و اعطای آن به صاحبان اصلی آن‌ها (یعنی شهروندان)، جنبش‌ها و دیدگاه‌های جدیدی از جمله «شهرسازی شهروندگرا» و «شهرسازی پیاده مدار» ظهور یافته است» (قربانی و جام کسری، ۱۳۸۹: ۵۶).

موضوعی که از نظر بسیاری از برنامه‌ریزان و جامعه‌شناسان شهری در افزایش حضور و ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری مؤثر واقع خواهد شد. در حال حاضر، برنامه‌های توسعه شهری در ایران نیز در گسستی عمیق با سنت

^۱. Ray Oldenburg

گذشته خود، خودرومدار و بر مبنای تسهیل هرچه بیشتر حرکت سواره بوده و آنچنان که باید به موضوع کیفیت روابط و تعاملات اجتماعی توجه نشده است (راستبین و همکاران، ۱۳۹۱). در بسیاری از شهرهای کشورمان، مردم تنها به فضاهای شهری به‌عنوان مسیری برای گذر می‌نگرند؛ در واقع این فضاها به‌جای آنکه مردم را به مکث و حضور و برقراری مراودات اجتماعی دعوت کنند، آن‌ها را به فرار تشویق می‌کنند و دیگر تجربه برخورد با دیگران، حس تعلق به جامعه، دیدارهای چهره به چهره، تعاملات اجتماعی و تجربه دیدن و دیده‌شدن به‌عنوان مهم‌ترین نیازهای انسان به درستی اتفاق نمی‌افتد (شیخی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۴). این مسئله تداوم حیات سالم شهری در شهرها را به خطر انداخته است. این فقدان ارتباط علاوه بر تأثیر مخرب فردی، مشکلات اجتماعی نظیر کاهش حس سرزندگی، افزایش جرم خیزی، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی را باعث می‌شود و در درازمدت منجر به نارضایتی مردم می‌گردد. بنابراین شناسایی عواملی که در ارتقاء تعاملات اجتماعی در راستای افزایش تمایل برای حضور در فضاهای شهری پیاده‌محور اثرگذار هستند، بیش از پیش ضرورت یافته است. این موضوع نه تنها در حوزه شهرسازی و معماری بلکه از جمله موضوعات مهم در حوزه علوم اجتماعی معاصر نیز محسوب می‌شود که به‌دلیل پیوندهای اجتماعی، تعامل و ارتباط انسان با محیط پیرامونش از اهمیت بالایی برخوردار است.

با تأکید بر این نکته که خیابان تنها کالبدی برای استفاده عمومی نیست بلکه تجلی حیات در جامعه شهری است، پیاده‌راه تاریخی چهارباغ عباسی اصفهان به‌عنوان نمونه مطالعاتی پژوهش حاضر انتخاب شده است و نمی‌توان نسبت به تغییر و تحولاتی که در آن در حال وقوع است بی‌اعتنا بود. اگرچه پیاده‌راه شدن این خیابان را می‌توان به‌عنوان یک راه‌حل مناسب در تداوم حضور مردم ذکر کرد اما این راه‌حل به‌تنهایی نمی‌تواند تعاملات اجتماعی در این خیابان را بهبود بخشد. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا با شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان‌های پیاده‌محور، گام تأثیرگذاری در کاهش سطح فضاهای خسته‌کننده و افزایش مشارکت و ارتباطات اجتماعی مردم بردارد. در نتیجه، این پژوهش ضمن پرداختن به ادبیات موضوع، عواملی که در ارتقاء تعاملات اجتماعی اثرگذار هستند را با سه مؤلفه کالبدی، اجتماعی، فعالیتی-عملکردی به روش سلسله‌مراتبی (AHP) ارزیابی کرده است. در این راه با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و متخصصان، وزندهی و اولویت‌بندی معیارها و زیر معیارها در نرم‌افزار Expert Choice انجام شد. این مقدمه توجیهی برای پاسخ به این پرسش خواهد بود که عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان‌های پیاده‌محور کدام است؟ و کدام عامل در ارتقاء تعاملات اجتماعی خیابان پیاده‌محور چهارباغ عباسی از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

به‌طور مشخص موضوع ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری پیاده‌محور با افت کیفیت این فضاها بر اثر سلطه ماشینی و عدم تمایل مردم برای حضور مطرح شد. بر همین اساس، قبل از ورود به مباحث نظری به‌منظور تدقیق موضوع و تدوین چارچوب نظری در هر پژوهشی بایستی پژوهش‌های انجام‌شده، زمینه‌های تجربی و نتایج به‌دست آمده به‌عنوان پیشینه مورد مذاقه قرار گیرد. این قسمت با توجه به موضوع پژوهش با مرور بر پژوهش‌های صورت‌گرفته و بیان و رفع خلاءها و کمبودهای علمی، در تلاش است تا پژوهش را در راه رسیدن به ایده‌های نو یاری رساند. اکثر تحقیقاتی که در پیشینه پژوهش به آن‌ها اشاره شده است. از این نظر که یکی از کلید واژه‌های این پژوهش را مورد بررسی قرار داده‌اند، با پژوهش حاضر مشابه هستند. تیبالدز در کتاب خود با نام «شهرهای انسان‌محور»، تنوع و نفوذپذیری را از کیفیت‌های مهم برای رسیدن به سرزندگی در مسیرهای پیاده شهری بیان می‌کند که در ارتباطات و تعاملات اجتماعی افراد بسیار اثرگذار است و از طریق ارتباط بصری بین مسیر و بدنه شکل می‌گیرد. از نظر او، محور پیاده باید تا حد امکان بدون

اختلاف سطح و مانع باشد و فعالیت‌های متنوع را با ایجاد تمایزات بصری، به هم متصل کند و وحدت و پیوستگی مسیر را القاء نماید (تیبالدز، ۱۳۸۳: ۱۴۰). گل (۱۳۸۷) که مطالعات خود را بیشتر بر روی تعامل اجتماعی و مسائل جامعه‌شناسی و روانشناسی در فضاهای عمومی شهری متمرکز نموده است، مخالف جداسازی کامل فضاهای آمد و شد سواره و پیاده است، اما شهر با آمد و شد آرام را شهر زنده‌ای معرفی می‌کند که افراد تمایل بیشتری برای حضور در آن را دارند. او در کتاب خود با عنوان «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها»، به پژوهش و مطالعه بر روی فضاهای عمومی و جمعی پرداخته است. او در این کتاب به فعالیت‌های روزمره در محیط انسان ساخت اشاره می‌کند و فضایی را سرزنده می‌داند که امکان عبور و مرور آهسته و فعالیت پیاده فراهم باشد. گل بر آن است که از طریق طراحی محیط کالبدی می‌توان بر تعداد وقایع و مردمی که از فضای عمومی استفاده می‌کنند. نتیجه تحقیقات وی بیانگر این موضوع است که فضایی موفق است که فعالیت‌های اجتماعی در آن در جریان باشد. جیکوبز در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» (۱۳۸۸)، بر نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی تأکید می‌کند. به باور او فضاهای شهری چون خیابان‌ها و پیاده‌راه‌ها فضاهایی از یک شهر هستند که در ذهن انسان بیشتر باقی می‌مانند. بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی، تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه سندج»، در پی افزایش تعاملات اجتماعی و همبستگی انسان‌ها در فضاهای شهری هستند. در این پژوهش اثبات شد مؤلفه‌های فردی تأثیر مستقیم بر تعاملات اجتماعی دارند همچنین نتایج نشان می‌دهد که نمی‌توان از نقش و قابلیت‌های مؤلفه‌های کالبدی در ارتقای تعاملات اجتماعی نیز غافل شد. خاک زند و بقالیان (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضاهای باز و نیمه‌باز مجتمع‌های مسکونی (نمونه موردی: مجتمع مسکونی منطقه ۲۲)»، تعاملات اجتماعی را از ضروری‌ترین نیازهای اجتماعی انسان معرفی می‌کنند که نادیده گرفتن آن زندگی فردی و اجتماعی ساکنان را با مشکلات اساسی مواجه می‌کند. منصور و جهان‌بخش (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری (مطالعه موردی: خیابان مدرس کرمانشاه)، تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری را از اولین گام‌های درک فضا معرفی می‌کنند که در خوانایی شهر اهمیت بسیار دارد. در این پژوهش از تکنیک SOWT و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شده است که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های پیاده راه، ارتباط غیرکلامی و تعامل فضا و مکان؛ مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری هستند.

با بررسی ادبیات نظری در ارتباط با موضوع مشخص گردید که نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و پژوهش‌های بسیاری به موضوع تعاملات اجتماعی و اهمیت آن در فضاهای شهری تأکید داشته‌اند. اما چارچوبی که موضوع پژوهش پیش رو را با اهمیت می‌سازد، کمی‌سازی عواملی است که باعث ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضاهای پیاده‌محور شهری است موضوعی که در بیشتر پژوهش‌های انجام شده به صورت کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر با آگاهی از این موضوع و با مراجعه به کارشناسان و متخصصان در تلاش است تا این عوامل را شناسایی و ارزیابی کرده و برای بهبود کیفیت اجتماعی این فضاها در اختیار طراحان شهری قرار دهد.

نتیجه‌گیری

تعریف شهر به‌عنوان یک پدیده زنده، مرهون حضور، حیات و پویای انسان در آن است و غلبه این حضور بر ساختار شهری، آن را به محیطی انسان‌گرا و انسان‌مدار تبدیل می‌کند. این خصلت از جمله خصایل مهم شهری است که امروزه

با چالش‌های جدی مواجه شده است. اگر بپذیریم که بخش مهمی از برخوردهای اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری اتفاق می‌افتد، نقش فضاهای پیاده در تقویت بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی شهر غیرقابل انکار می‌نماید. در دنیای امروز افزایش جمعیت و گسترش روز افزون زندگی شهری و سلطه اتومبیل بر شهرها، اگرچه موضوعی جدید محسوب نمی‌شود، اما بر روی تعاملات و ارتباطات اجتماعی در فضاهای شهری تأثیر مخربی گذاشته است. همان‌طور که دعوت از اتومبیل، طی سال‌ها پیاده را به داخل فضاهای بسته رانده و اولویت را به اتومبیل داده است، دعوت از پیاده می‌تواند این روند را معکوس کرده و زندگی را به فضاهای شهر بازگرداند. در نتیجه، روابط اجتماعی بین مردم برای برقراردن نیاز به فضایی اجتماعی دارد که فضای شهری به‌عنوان بستر مناسبی در این زمینه عمل می‌نماید. «فضای شهری نه تنها فضایی اجتماعی است که با مردم ارتباط برقرار می‌کند بلکه عرصه‌ای است که فرصت ایجاد و لذت‌بردن از ارتباطات اجتماعی را نیز فراهم می‌آورد. در حقیقت این فضاها ماهیتی فراتر از مکانی صرفاً تفریحی و عرصه بیرونی بناهای معماری دارند» (پورمحمدی، کوشانه، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۷). این فضاها بیان‌کننده ارزش‌های یک جامعه می‌باشند که به دلیل داشتن خصلت باز و عمومی بودن، مردم را به مراودات اجتماعی دعوت می‌کند و ماهیت زندگی اجتماعی در آن‌ها متبلور می‌گردد. بر همین اساس با در نظر گرفتن نیاز به در جمع بودن انسان‌ها، فضاهای شهری عرصه‌ای برای تجلی ارتباط و تعامل اجتماعی بین انسان‌ها و برخوردهای از پیش تعیین‌نشده بین آن‌ها می‌باشند و تعاملات و کنش اجتماعی شهروندان شرط موفقیت این فضاها محسوب می‌شود و همین امر باعث شده است که فضاهای شهری به‌عنوان بستری برای عملکردهای اجتماعی در نظر گرفته شود.

از خلال مطالعات نظری پژوهش حاضر مشخص گردید که واژه با هم بودن، تعاملات اجتماعی و ارتباطات در دنیای امروز به دلیل روند رو به افزایش جمعیت شهرها و زندگی ماشینی مورد توجه نمی‌باشد و جدایی روزافزون انسان‌ها از یکدیگر و از محیط پیرامونشان را به همراه داشته است. از آنجاکه خیابان با بُعد اجتماعی و زندگی روزانه مردم درگیر است، مکان تجمعات غیررسمی در فضاهای شهری شناخته می‌شود که نیازهای در ارتباط با زندگی اجتماعی شهروندان را پاسخ می‌دهد. عملکرد اصلی این فضاها فراهم‌سازی و بسترسازی برای پذیرایی کلیه اقشار، گروه‌های سنی و جنسی و اقلیت‌های اجتماعی در کلیه ساعات شبانه‌روز است. بنابراین ارتباطات و تعاملات اجتماعی و مشارکت مردمی در خیابان، عنصر اصلی محتوای فضای شهری به حساب می‌آید که بر روی روابط انسانی و فعالیت‌های شهری تأثیر می‌گذارد.

همان‌گونه که از نتایج جداول ۴ تا ۷ برمی‌آید سه معیار کالبدی، اجتماعی و فعالیتی-عملکردی همراه با زیرمعیارهای مربوط به خود به روش سلسله‌مراتبی (AHP) توسط نرم‌افزار Expert Choice تجزیه و تحلیل شدند. نتیجه ماتریس معیارها در جدول ۴ حاکی از آن است که ضمن وابستگی درونی معیارها با یکدیگر، عامل کالبدی با وزن ۰.۳۱ بیشترین تأثیر و اهمیت را در ارتقاء تعاملات اجتماعی خیابان پیاده‌محور چهارباغ عباسی ایفا می‌کند. براساس نتایج وزن نهایی ماتریس‌های به‌دست‌آمده به روش تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتبی در جدول ۸، و اولویت‌بندی شاخص‌های اثرگذار در ارتقاء تعاملات اجتماعی پیاده راه چهارباغ عباسی براساس نظر کارشناسان و متخصصین، مشخص شد که تنوع بصری و نفوذپذیری از معیار کالبدی با وزن نهایی ۰.۲۹، ایمنی و امنیت، نور و روشنایی از معیار کالبدی و اجتماع‌پذیری از معیار اجتماعی با وزن ۰.۲۷، و سرزندگی از معیار اجتماعی بیشترین تأثیر را در فرآیند ارتقاء تعاملات اجتماعی در این مسیر پیاده می‌گذارند. به‌طور کلی، مؤلفه‌ها و معیارهای در نظر گرفته‌شده در راستای ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان پیاده‌محور چهارباغ عباسی، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در راستای افزایش حضور شهروندان در این خیابان می‌باشند.

و این نکته دقیقاً در مطالعات جیکوبز (۱۹۶۱)، وایت (۱۹۸۰)، گل (۱۹۸۷) و مدنی‌پور (۱۳۸۷) مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. از طرف دیگر، ارتقاء تعاملات اجتماعی به حضور هرچه بیشتر مردم در فضا می‌انجامد. مؤلفه‌ها و شاخص‌های ذکرشده در این پژوهش به ارتقاء ارتباطات و تعاملات اجتماعی شهروندان در خیابان پیاده محور چهارباغ عباسی کمک می‌کند و همین امر خیابان را اجتماع‌پذیر می‌کند و باعث سرزندگی هرچه بیشتر خیابان می‌گردد. باتوجه به اینکه خیابان چهارباغ عباسی از مهم‌ترین خیابان‌های تاریخی، اقتصادی و اجتماعی شهر اصفهان محسوب می‌شود، در راستای ارتقاء سطح تعاملات اجتماعی بین شهروندان با یکدیگر و با محیط پیرامونشان پیشنهاد می‌شود با به‌کارگیری از مؤلفه‌ها و معیارهای ذکرشده توسط برنامه‌ریزان و متخصصین شهری، علاوه بر اینکه به ارتقاء سطح تعاملات اجتماعی کمک می‌شود، به اجتماع‌پذیری و احیاء ارزش‌های فرهنگی و تاریخی شهر که مدتی است رو به سردی آورده است کمک شایان توجهی می‌گردد.

با در نظر گرفتن ماهیت اجتماعی انسان که وجودشان در شهرها باعث زنده کردن و زندگی بخشیدن به شهر می‌شود، انسان‌ها نیازمند شور و نشاط، پویایی و سرزندگی، با جمع بودن و در بین جمع زندگی کردن در جریان زندگی خود می‌باشند. «اگر در فضای شهری زندگی و فعالیت وجود داشته باشد، تبادللات اجتماعی فراوانی نیز وجود خواهد داشت. اگر فضای شهری متروک و خالی باشد هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد و تنها تعداد زیادی ارتباط منفعل شنیداری و دیداری وجود دارد؛ مانند تماشا کردن مردم و رخدادها، که این شکل ساده و فروتنانه ارتباط، گسترده‌ترین بخش فعالیت اجتماعی شهر است» (گل، ۱۳۸۷: ۸۰). این نتایج بر اهمیت ارتباطات و تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری که منجر به اجتماع‌پذیری می‌گردد دلالت دارد. نتایج این تحقیق دلالت‌های مهمی در راستای تعاملات اجتماعی برای اجتماع‌پذیری در خیابان‌های پیاده‌محور داشته است که می‌تواند مبنای پژوهش‌های آتی در همین حوزه واقع گردد. بنابراین می‌توان فرآیند ارتقاء تعاملات اجتماعی در این پژوهش را در ۵ مرحله زیر خلاصه کرد: ۱- برطرف کردن توقعات موردانتظار از فضا؛ ۲- امکان حضور در فضا؛ ۳- امکان مکث و ماندن بیشتر در فضا؛ ۴- شکل‌گیری گردهمایی‌ها و اجتماعات مردمی؛ ۵- تعامل انسان‌ها با یکدیگر و با فضا.

فهرست منابع و مآخذ:

- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۹). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. چاپ چهارم، تهران: انتشارات شهیدی.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۰). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. تهران: انتشارات شهیدی.
- پورمحمدی، محمدرضا و کوشانه، روشن. (۱۳۹۲). «ارزیابی و تحلیل فضاهای عمومی شهری با استفاده از مدل تاپسیس (مطالعه موردی: شهر تبریز)». مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، (۱۷)، ۳۷-۵۲.
- تبریزی، امید مختاباد امرئی، مصطفی، و فیضی، محسن. (۱۳۹۳). «اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی. مدیریت شهری. شماره ۳۷. ۲۷۲-۲۵۷.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۳). شهرسازی شهروندگرا. ترجمه: محمد احمدی‌نژاد. اصفهان: نشر خاک.
- راهنما، محمدرحیم. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی مناطق مرکزی شهرها. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- راستبین، ساجد؛ جعفری، یاسر و دارم، یاسمن. (۱۳۹۱). «رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی (نمونه موردی: جلفای اصفهان)». فصلنامه باغ نظر، (۲۱)، ۳۵-۴۶.

- رنجبر، احسان و رییس اسماعیلی، فاطمه. (۱۳۸۹). «سنجش کیفیت پیاده‌راه‌های شهری در ایران». فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۴۲، ۹۳-۸۳.
- زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۰). «کاربرد فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای». هنرهای زیبا، شماره ۱۰، ۲.
- جیکوبز، جین. (۱۳۸۸). مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی. ترجمه: حمیدرضا پارسی- آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.
- خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۸). روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی. تهران: انتشارات بازتاب.
- حبیبی، کیومرث؛ بهزادفر، مصطفی و جابری، آیرین. (۱۳۹۰). «پیاده‌راه، محرک توسعه در بافت کهن شهری، بررسی نقش محور استروگت در شهر کپنهاگ». فصلنامه منظر، شماره ۱۵، ۶۱-۵۵.
- حقیقی بروجنی، سمر؛ یزدانفر، سید عباس و بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۴). «احیای فضای شهری با استفاده از کافه‌های فضای باز (نمونه موردی: خیابان چهارباغ اصفهان)». نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۲۲ (۲۰)، ۴۲-۳۱.
- خاک زند، مهدی و بقالیان، آلاله. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضای باز و نیمه‌باز مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی منطقه ۲۲)». نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۱، ۲۸-۱۹.
- ستارزاده، داریوش؛ تقی‌زاده، محمد و حبیب، فرح. (۱۳۸۷). «فضای شهری، اندیشه‌ای اجتماعی». فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دوازدهم، (۴)، ۱۷۳-۱۸۳.
- شیخی، حجت و رضایی، محمدرضا. (۱۳۹۶). «ارزیابی کیفیت محیطی فضاهای شهری پیاده‌مدار و پاسخ‌دهی اجتماعی (نمونه موردی: خیابان فردوسی شهر ایلام)». نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، (۲۹)، ۸۳-۹۳.
- طیبیان، منوچهر. (۱۳۷۹). «شهر و فضاهای شهری». تهران، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۶، ۱.
- قدسی‌پور، س.ح. (۱۳۹۲). «مباحثی در تصمیم‌گیری چند معیاره: فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی». دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران.
- قربانی، رسول و جام کسری، محمد. (۱۳۸۹). «جنبش پیاده‌گستری، رویکردی نو در احیاء مراکز شهری؛ مورد مطالعه: پیاده‌راه تربیت تبریز». مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، (۶)، ۷۲-۵۵.
- قلمبردزفولی، مریم و نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۲). «طراحی فضای شهری به‌منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: بلوار بین‌محله‌ای)». فصلنامه هویت شهر، شماره هفدهم، ۲۴-۱۵.
- کاشانی‌جو، خداداد. (۱۳۸۹). پیاده‌راه‌ها، از مبانی طراحی تا ویژگی‌های کارکردی. تهران: انتشارات آذرخش.
- کلمن، جیمز. (۱۳۹۰). بنیادها نظریه اجتماعی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: انتشارات نی.
- گل، یان. (۱۳۸۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها. ترجمه: شیما شصتی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. مترجم: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). طراحی شهری (گونه‌شناسی روبه‌ها و طرح‌ها). ترجمه: سید حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۹۳). تئوری شکل شهر. ترجمه: سید حسین بحرینی، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ماجدی، حمید؛ منصور، الهام و حاجی احمدی، آذین. (۱۳۹۰). «بازتعریف فضای شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر حدفاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر». نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۷، ۲۸۳-۲۶۳.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۹۱). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، تهران: دانشگاه تهران.
- معینی، سید مهدی. (۱۳۹۰). شهرهای پیاده‌مدار. تهران: آذرخش، پاییز.
- معصوم‌زاده، محسن و تراب‌زاده، اقدس. (۱۳۸۳). «فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، اولویت‌بندی صنعتی، رتبه‌بندی تولیدات». فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، ۸۱-۶۷.
- منصوری، سید تاج‌الدین و جهان‌بخش، حیدر. (۱۳۹۴). «سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری (مطالعه موردی: خیابان مدرس کرمانشاه)». شریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۱، ۶۵-۵۹.
- Alexander, V. (۲۰۰۳). *Sociology of the Arts*. Blachwell Publishing.
- Carr, S., Francis, M., Rivilin, L G & Ston, A.M. (۱۹۹۲). *Public Space*. Cambridge: Cambridge Press.
- Carmona, M., et al. (۲۰۱۰). (Second Edition). *Public Space - Urban Space, the Dimension of Urban Design*. Publisher: Elsevier Science.
- Gehl, J. (۱۹۹۶), *Life between buildings. Using Pulic Space*, Skive, Arkitektens Forlarg.
- Cowan, R. (۲۰۰۵). *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise press.
- Fruin, J. (۱۹۷۱), *Pedestrian Planning and Design*, Metropolitan Association of Urban Designers and Environmental Planners, Inc, New York.
- Gutman, R. (۱۹۸۷), *The street generation*. In S. Anderson (ed.), *On Streets*, Camrodge, MA: MIT Press.
- Jacobs, J. (۲۰۱۶). *The Death and Life of Great American Cities*. Published: Vintage Digital eBook.
- Madanipour, A. (۱۹۹۶). *Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process*. England: Wiley (John Wiley & Sons Ltd).
- LI, J. (۲۰۰۷). *Public space*. *Continental Philosophy Review*, ۴۰, ۳۱-۴۷.